



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۹/۳۰



ضیاء نظام

مواد مخدر! یا بربادی تدریجی جامعه افغانی

زرع کوکنار یا خشخاش به خاطر تولید مواد مخدر در افغانستان اثرات نهایت ناگوار، شرم آور و خانماسوزی را در قبال عزت، آبرو و پرستیژ کشور و جامعه افغانی دارا است. این امر مسلماً در نا امن سازی و بی ثباتی افغانستان نقش عمده و اساسی را بازی می کند.

سال ها است که افغانستان در تولید مواد مخدر در سطح جهانی مقام اول را کسب کرده است. مطابق به احصائیه و ارقام دفتر ملل متحد در امور جرایم و مواد مخدر در سال ۱۹۹۲م، افغانستان به عنوان بزرگترین تولید کننده تریاک به شمار رفته است و در دهه نود در سال ۱۹۹۹م با تولید ۴۵۶۵ تُن تریاک در سطح جهانی ریکارد قایم نمود، اما بعد ها به استثنای سال ۲۰۰۰م، تولید این گیاه افزایش قابل ملاحظه ای حاصل کرده چنانچه در سال ۲۰۰۷م مقدار تولید تریاک به ۸۲۰۰ تُن بالغ می گردد، یعنی به صورت سرسام آوری به بلند ترین میزان سطح تولید خود رسیده بود، اما بعداً از تولید آن اندک کاسته شد با آنهم کشور ما با تولید بیشتر از هفتاد فیصد تولیدات مواد مخدر تمام جهان، بالا تر از کشورهای تولید کننده آن قرار داشته است.

افغانستان در سال ۲۰۱۴م مقدار ۶۴۰۰ تُن تریاک تولید کرده و در سال ۲۰۱۵م این رقم به ۳۳۰۰ تُن تنزیل نمود. ساحه اراضی که در آن کوکنار کشت شده از ۲۲۴۰۰۰ هکتار زمین به ۱۳۳۰۰۰ هکتار پابین آمده ولی با وجود این کاهش، باز هم افغانستان در ردیف تولید کنندگان تریاک مقام اول را در سطح جهانی از دست نداده، بلکه آن را حفظ کرده است و هنوز هم هفتاد فیصد تولیدات مواد مخدر جهان را به خود اختصاص می دهد.

در گذشته ها در طول تاریخ خویش افغانستان هیچگاه یک کشور صادر کننده مواد مخدر نبوده بلکه به هر مقداری که کوکنار کشت می شد، به پیمانه خیلی محدود بود و صرف می توانیست مصارف داخلی را تکافو کند که اکثراً به قسم تهیه مواد برای دواهای آرام کننده و همچنان برای بعضی امراض سینه و سرفه به کار می رفت؛ زیرا اصول نامه منع تجارت، کشت، خرید و فروش، تورید و استعمال تریاک در ماه اسد سال ۱۳۳۵هجری شمسی نافذ شد که تأثیرات معین خود را داشت. آنگاه تعداد معتادین خیلی ها کم و انگشت شمار بود.

در سال های قبل از دهه ۱۹۸۰م میزان تولیدات تریاک کشور به ۲۰۰ تُن می رسید که به مقایسه سال ۲۰۱۴م با تولید ۶۴۰۰ تُن سی و دو مرتبه کمتر بوده و این رقم در سال ۱۹۹۹م یعنی زمان حاکمیت رژیم طالبان به ۴۶۰۰ تُن یعنی به بیست و سه چند رسید. البته ریکارد در سال ۲۰۰۷م با تولید ۸۲۰۰ تُن قایم گردید، یعنی چهل و یک چند شد.

تولید مواد مخدر در افغانستان از زمان شروع جنگ های بیرونی و درگیری های داخلی رو به افزایش بوده یعنی ناآرامی و جنگ، عدم امنیت، آمدن گروپ ها و باند های منطقوی و بین المللی مافیایی خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر و فقر سبب شده تا متأسفانه امروز افغانستان در بالاترین سطح در ردیف اولین تولید کنندگان تریاک در جهان به شمار آید.

دیده می شود که با نا آرامی و جنگ و عدم کنترل دولت؛ کشت خشخاش در کشور روند صعودی خود را پیموده است؛ این حالت باعث دخالت فکترهای دیگر که عبارت از باند های قاچاقبران منطقوی و بین المللی، تروریستان و جنگ سالاران می باشند، شده و تولید تریاک به صورت سرسام آوری بلند رفته و کوکنار به پیمانۀ وسیع عمدتاً در ساحات نا امن کشت می گردد. قابل تذکر است که قبل از ترویج کشت خشخاش در افغانستان بیشترین مقدار تریاک در کشورهای جنوب شرق آسیا یعنی در برما (میانمار)، تایلند و لاوس تولید می گردید که معروف به مثلث طلایی بود؛ بعداً به اثر صعود تولید تریاک در افغانستان ساحه تولید مثلث طلایی ممالک جنوب شرق آسیا به ساحه هلال طلایی یعنی افغانستان، پاکستان و ایران تبدیل شد، البته میزان تولید تریاک در افغانستان در برابر دو کشور دیگر شامل هلال طلایی یعنی (ایران و پاکستان) غیر قابل مقایسه می باشد.

تولیدات پاکستان در این ردیف خیلی ها در سطح پایین قرار داشته، ایران اصلاً از جمله تولید کنندگان به شمار نمی آید. دومین کشور تولید کننده تریاک یعنی میانمار/ برما شامل کشورهای مثلث طلایی می باشد که جمع کشورهای مشمول این مثلث در سال ۲۰۱۴م مقدار ۸۴۰ تن تریاک تولید کرده است. افغانستان در همین سال به تنهایی خود ۶۴۰۰ تن تریاک تولید داشت که بیشتر از هفت برابر جمله سه کشور متذکره بود، یعنی هشتاد و پنج فیصد تریاک جهان و هفتاد فیصد مواد مخدر غیر قانونی دنیا را تولید و تهیه کرده است.

همچنان آن مقدار پولی که از مدرک فروش هیروین در افغانستان به دست آمده، در حدود چهار میلیارد دالر رقم زده شده است که کمتر از یک میلیارد دالر آن نصیب زارعین افغان و باقی سه میلیارد دالر به قاچاقبران منطقوی، تروریستان و قوماندانان محلی تعلق می گیرد، اما ارزش واقعی آن به نرخ بازار های غرب بیشتر از هفتاد میلیارد دالر است که بدین ترتیب ازین همه مبالغ زیادتیر از یک فیصد آن به زارعین و دهقانان افغان می رسد. بر وفق گزارش های سازمان غذا و زراعت ملل متحد FAO در افغانستان به حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر به کشت و زرع خشخاش مشغول اند که تقریباً سی فیصد زارعین کشور را احتواء می کند. اما زمینی که جهت تولید تریاک به کار برده می شود، در حدود هفت فیصد از اراضی آبی کشور می باشد که حد اوسط به هر دهقان باید در حدود ۲۵۰۰ دالر عاید مختص شود و در عین حال به اساس احصائیه سازمان FAO هر دهقان مسوولیت تأمین نفقه ۱۱,۵ نفر را به عهده دارد، یعنی تخمیناً چهار میلیون نفر از طریق کشت غیرقانونی کوکنار امرار معاش می نمایند، اما وضع زندگی دهقانانی که به کشت کوکنار می پردازند چندان تغییری نکرده است و اکثراً قرضدار بوده و مجبور اند از قاچاقبران و تروریست ها جهت خرید وسایل و ابزار زراعتی، قرض بگیرند. لذا به طور عموم آن ها هنوز هم دست و دهن می باشند، یعنی مفاد زیاد این زراعت پرمفعت غیر قانونی به آن ها و فامیل های شان نمی رسد، بلکه دیگران استند که از آن سود گزاف می برند و بهره می گیرند و زندگی مرفه را صاحب می گردند.

سوال مهم اینجاست طوری که گفته شد؛ افغانستان در حدود سه دهه قبل صادر کننده مواد مخدر نبوده، پس چه طور توانست در یک مدت نسبتاً کوتاه تقریباً انحصار صادرات غیرقانونی تریاک را به خود اختصاص دهد و چنین مقامی را از آن خود سازد و نام بدی را در سطح جهانی کمایی کند. بالاخر مطالعات و تحقیقاتی که در زمینه به عمل آمده است به این نتیجه می رسیم که عمده ترین علت گسترش کشت کوکنار و قاچاق تریاک عبارت اند از نا امنی و ادامه جنگ، حضور تروریستان منطقوی و جهانی، حضور مافیای منطقوی و بین المللی خرید و فروش و قاچاق مواد مخدر، ناتوانی و بی کفایتی دولت و بی اعتنایی جامعه جهانی که در زمینه ذیلاً چند مورد روشنی انداخته می شود:

۱- دلیل اول و مهم؛ آغاز گسترش نا امنی در کشور در اواسط دهه هشتاد میلادی و خارج شدن بعضی از ساحات کشور از کنترل دولت است که این روند ادامه داشته و به این ترتیب در تولید تریاک افزایش قابل ملاحظه صورت گرفته و می گیرد. چنانچه هم اکنون از جمله ۳۴ ولایت کشور، نا امن ترین آن ولایت هلمند است که از نظر مساحت بزرگترین ولایت افغانستان می باشد و بر اساس احصایه و ارقام دفتر ملل متحد در امور جرایم و مواد مخدر تقریباً نصف تولیدات تریاک کشور و نیم ۶۴۰۰ تُن یعنی ۳۰۴۸ تُن در این ولایت تولید می گردد و دولت افغانستان همین اکنون محض در شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند حاکمیت داشته و باقی ساحات این ولایت تحت سلطه و نفوذ طالبان قرار دارد. علاوه بر این باید متذکر شده که سه ولایت جنوبی یعنی هلمند، کندهار و فراه تقریباً سه بر چهار حصه مجموع تولیدات تریاک را که عبارت از ۴۷۰۰ تُن می شود به خود اختصاص داده و اگر ولایت ننگرهار هم به آن اضافه شود این چهار ولایت در مجموع مقدار ۵۴۰۰ تُن تریاک تولید دارند که تقریباً هشتاد و پنج فیصد تولید کل مملکت را احتوا می کند و باقی سی ولایت دیگر کشور کمی بیشتر از پانزده فیصد تریاک کشور را تولید می کنند، یعنی مناطقی که در آن امنیت وجود ندارد؛ کشت خشخاش/کوکنار از رونق بیشتری برخوردار است؛ به این معنی که در همچو ساحات مواد مخدر به بیشترین میزان تولید خود می رسد.

۲- تولید و قاچاق مواد مخدر یک منبع مهم عایداتی برای تروریستان و افراطی های منطقوی شمرده می شود. کشت مواد مخدر و تروریزم دو پدیده ای ناهنجاری اند که هر کدام در کنار همدیگر به خوبی رشد کرده و این سلسله ادامه دارد. تولید کنندگان تریاک ده فیصد عواید خود را به عنوان تادیه مالی به طالبان می پردازند و طالبان هم در مقابل از آن ها تا سرحد ممکن حمایت و حفاظت نموده، امنیت ساحات کشت و راه ها و وسایط نقلیه شان را به دوش می گیرند، که مصارف جنگی طالبان در کنار کمک های خارجی عمدتاً از پاکستان و منطقه خلیج فارس بدینوسیله تأمین می گردد. در نتیجه عایدات حاصله از تجارت مواد مخدر یک عنصر مهم جنگ نیابتی محسوب می گردد که توسط کشور همسایه بر ضد ملت افغانستان به راه انداخته شده است.

۳- بالاخر جنگ های تحمیلی در افغانستان؛ زمینه خوب حضور و کارو بار و تجارت برای باندهای مافیایی مواد مخدر که به سطح منطقوی و بین المللی به سطح گسترده، قوی و منظم فعالیت دارند، مساعد گردید. باندهای متذکره مواد مخدر را به بازارهای منطقه و جهان انتقال می دهند، این کار بعضاً با همکاری مقامات رسمی کشورهای منطقه صورت می گیرد و مبالغ گزاف از این راه دریافت می گردد. این فعالیت ها و تجارت غیرقانونی در جهان، خود مبارزه علیه مواد مخدر را در بعضی موارد به جدال کشیده و زیر سوال قرار داده است.

۴- زرع، تولید و قاچاق مواد مخدر زمینه بسیار خوب را در جهت عاید و رشوت برای فساد پیشه گان دولتی مساعد ساخته، دولت افغانستان در راستای مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر نهایت ناکام بوده؛ زیرا با وجود ایجاد نهادهای بی شمار مانند څارنوالی اختصاصی مواد مخدر، محکمه اختصاصی مواد مخدر، وزارت مبارزه با مواد مخدر، معینیت وزارت داخله در امور مواد مخدر و ده ها موارد دیگر اعم از پلان ها و ستراتیژی های مبارزه در برابر محو مواد مخدر، دست آورد دولت ناچیز و حتی معکوس است؛ زیرا تولید آن تا حال نه صرف که کاهش نیافته بلکه چند برابر بیشتر گردیده و بنابراین مشکل اساسی حل نگردیده است.

گفته می شود یکی از نوآوری های حکومت افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان؛ همین موضوع نهاد سازی بوده است که به خاطر حل معضله به عوض مبارزه واقعی نهاد های جدید ایجاد شده و این امر باعث آن گردیده تا علاوه از اینکه مشکل حل نگردد، با ایجاد این نهادها بر میزان مشکلات افزوده و معضلات را ازدیاد بخشیده است. تصور می شود که این تشکیلات به خاطر تسکین خاطر اذهان عامه داخلی و بین المللی به وجود آمده باشند. در بدو امر شاید ایجاد آن ها مؤثریت نسبی در برابر اذهان عامه داشته، اما اخیراً این تشکیلات چون مؤثریت چندانی ندارند، پس از ایجاد آن ها نتایج معکوس به دست آمده است.

۵- جامعه جهانی مخصوصاً ایالات متحده امریکا جهت مبارزه با مواد مخدر در افغانستان میلیاردها دالر را به مصرف رسانیده، اما به دریافت نتیجه مطلوب و مثبت نایل نشده است. زیرا در اجندای شان این مبارزه از اولویت لازم برخوردار نبوده است.

قابل تذکر می دانم، زمانیکه جامعه بین المللی بعد از رخداد یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱م در افغانستان حضور نظامی و سیاسی یافتند، در آغاز مبارزه علیه تروریسم و افراط گرایی منطقی- مناطق و حوزه های مختلف افغانستان را جهت انسجام و هماهنگی درست و مبارزه مؤثر؛ به زون ها و بخش ها تقسیم کرده و هر بخش را نظر به امکانات مربوطه به کشورهای مختلف شامل ائتلاف بین المللی تفویض نمودند؛ چنانچه مسؤولیت های بخش های نا آرام شرق کشور را ایالات متحده امریکا به دوش گرفت. قسمت های نا امن جنوب مانند کندهار به کشور کانادا، ولایت ارزگان به هالند و ولایت هلمند تحت نظر انگلستان قرار گرفتند. همچنان مسؤولیت ولایات شمال به جرمنی و ولایات شمال غرب به ایتالیا تعلق گرفت.

همین ترتیب وظایف عمده دفاعی و امنیتی نیز بین کشورهای ائتلاف تقسیم گردید. به همین گونه در داخل ساختار نظام، ایجاد و تقویه اردوی ملی را خود ایالات متحده امریکا به دوش گرفت، پولیس ملی به جرمنی و اتحادیه اروپا، تقویت امور عدلی و قضایی به ایتالیا، خلع سلاح و جمع آوری اسلحه غیر قانونی به جاپان و در مجموع مبارزه علیه مواد مخدر به انگلستان سپرده شد که به این ترتیب موضوع مواد مخدر و مناطق عمده که در آن زرع کوکنار صورت می گرفت به انگلستان رسید. اما برای این کشور مهمتر از همه این بود که نیرو های انگلیس در حدود ده هزار نفر در افغانستان مستقر بودند و از سال ۲۰۰۱م الی جولای ۲۰۱۴م به تعداد ۴۵۴ نفر کشته دادند و عمدتاً جنگ با طالبان در ولایت هلمند این تلفات را به وجود آورده است؛ لذا آن ها برای اینکه جنجال زیاد با مردم محل و دیگران پیدا نکنند؛ نزد شان مبارزه علیه مواد مخدر از اهمیت لازم برخوردار نبوده و در عین حال عدم حاکمیت دولت و قانون و نبود اراده قوی حاکمه باعث گسترش این فاجعه گردیده که کشور در صدر تولید تریاک قرار گیرد و میلیون ها نفر را در افغانستان، منطقه و جهان به فقر، بیچاره گی، امراض

روانی، انزوا و بالاخره نابودی تدریجی سوق دهند و به داخل کشور هم تعداد معتادین به صورت غیر قابل منتظره افزایش یابد که نهایت مأیوس کننده و دردآور است.

در مورد تعداد دقیق معتادین افغان که معلومات درست در اختیار نیست در حدود یک و نیم میلیون نفر در کشور تخمین گردیده است که از جمله آن سالانه هزاران تن شان تلف می گردد.

در کشور که تعداد معتادین آن در اوایل سال های نود خیلی ها محدود و ناچیز بود و امروز پنج فیصد مجموع نفوس بیچاره آن معتاد به مواد مخدر می باشد و هنوز هم روزانه بر تعداد شان می افزاید و برای دوا و تداوی شان امکانات خیلی ها ناچیز در دسترس قرار دارد، این بلا هم مانند تروریزم و افراط گرایی است که کشور و ملت را به مشکلات فروان روانی، اجتماعی و امنیتی دچار ساخته و جامعه افغانی را به زوال و نابودی می کشاند.

مصیبت بارتر اینست که ملیون ها دالر کمک های جهانی به مقصد مبارزه با این پدیده شوم حیف و میل می شود، اگر مساعدت های جهانی به شکل مناسب و به جا و به صورت درست و دلسوزانه به مصرف می رسید، جلو زرع، قاچاق، خرید و فروش و اعتیاد به تمام معنی گرفته می شد. مگر متأسفانه که اکنون در افغانستان به عوض کار واقعی و عملی؛ شعار ها و تبلیغات بی مورد بسیار مروج شده است و این تبلیغات غیر مفید؛ مبارزه علیه مواد مخدر، در اذهان مردم یک نوع بازی و شوخی تلقین گردیده است چون به عوض اقدامات مؤثر؛ اقدامات نمایشی و تبلیغی غیرموجه که کمک های جامعه جهانی را بیجا به مصرف می رساند و نمی توان از آن ها نتیجه مثبت و دلخواه و مطلوب به دست آورد. امید است جامعه بین المللی و مؤسسات ذیعلاقه و حکومت افغانستان در زمینه با احساس واقعی بشر خواهانه عمل کنند و جلو این مشکل و مصیبت بزرگ ملی را بگیرند.

افزایش کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر و تعداد متعادین در افغانستان به خصوص نسل جوان؛ یک فاجعه و مصیب بزرگ ملی را به میان آورده و باعث ویرانی و بربادی تدریجی جامعه افغانی گردیده است. علاوه مواد مخدر در کل برای منطقه و جهان مصیبتی کلان بوده و ده ها میلیون انسان و اکثراً غریب و بی بضاعت به مرض اعتیاد مبتلا گردیده است.

پایان